

# فاضل یا فضل فروش؟

الیه توانا | روزنامه نگار

پرونده

نز دیکِی خانه مان مغازه کوچک بی زرق و برقی است متعلق به پیر مردی دوست داشتنی . یک دیوار مغازه تا سقف ، کتاب چیده شده ؛ ادبیات ، فلسفه ، روان شناسی ، دین ، تاریخ و کتاب هایی به زبان انگلیسی که همه شان مال پیر مرد است و رایگان امانت می دهد . کاری ندارم در زمانه ای که گربه هم مجانی موش نمی گیرد ، کار بی مزد و موجب قندر ارز شمنند است . همسایه عزیز مان را معرفی کردم تا چیز دیگری بگویم . من پای صحبت پیر مرد نشسته ام . از آن هایی است که برای پول پای کتاب دادن ، کتک ها خور ده و گنجینه اش را به سختی جمع کرده ولی الان آن را بی چشم داشت در اختیار دیگران قرار داده است ؛ از کسی طلب ندارد ، وقتی درباره خودش حرف می زند ، یاد به غیغ نمی اندازد که « ما آدم های اهل مطالعه فلان و بهمان » . حالا چرا نشنیدن این جمله بر ایم جالب بوده و یا شما در میانش می گذارم ؟ چون با کتاب خوان های زیادی حشرو نشتر داشته ام و ادعاهای خود بینانه شان را شنیده ام و هر بار از خودم پرسیده ام که خب چرا ؟ البته که کتاب خوان درست و حسابی هم کم نمی شناسم اما رفتار های فضل فروشانه و تفاخر آمیز عده ای از اهالی مطالعه ، چیزی نیست که بشود از کنارش گذشت ؛ آن ها درست یا غلط در چشم دیگران ، تجسم دانش و آگاهی اند و رفتار اشتباه شان به پای کم و کاستی این حوزه ها نوشته می شود . کتاب خوان های فروتن بی ادعا در خلوت کار خود شان را می کنند و کسی نمی بیند که آگاهی از آدم ها درخت سربه زیر می سازد . در عوض مدعی های فضل فروش در بوق و کرنا می دمند که « ما سرآمد جهانیم ؛ و آن چه به چشم می آید این است که کتاب خواندن آدم ها را خود پسند می کند . پرونده امروز ، مرور اشتباهاتی است که از برخی کتاب خوان ها سر می زند .

## مد و مصرف گرایی بین کتاب خوان ها

جامعه شناس هاوران شناس هادر باب آسیب شناسی مصرف گرایی حرف ها زده اند اما ندیده ام کسی به مصرف گرایی کتاب خوان ها اشاره ای کند . ایجاد نیاز کاذب در بازار نیازمند توجه است ، تن دادن مردم به این نیاز ها هم همین طور . متخصصان علوم انسانی هشدار می دهند که جامعه مصرف رده ، جامعه سالمی نیست ؛ توصیه می کنند که پیروی از مد ، فقط جیب را نشانه نمی گیرد و پیام های منفی زیادی دارد اما کسی در باره رفتار های مشابه بین کتاب خوان ها صحبت نمی کند . چرا ؟ چون هیس ! مردم همین طوری هم کتاب نمی خوانند وای به روزی که از آن ها انتقاد کنی و بگویی حرص کتاب خریدن ، همان قدر اشتباه است که مثلا حرص کفش خریدن . همان چند باری هم که چند نفر در این باره تذکره هایی داده اند ، حرف شان خریدار نداشت . مثلا شنیده ایم که نمایشگاه کتاب علی الاصول باید جایی برای ارتباط نویسنده ها و ناشر ها و مخاطب ها یا دیگر باشد نه محل فروش عمده کتاب ؛ مردم در ۱۰ روز نمایشگاه نیاز چند ماهه شان به کتاب را تأمین می کنند و به کتاب فروشی ها به خصوص محلی ها و گمنام ها ضرر به دی وارد می شود اما کو گوش شنوا ؟ غیر از روز های نمایشگاه ، تخفیف های فصلی مثل طرح پاییزه و زمستانه هم کتاب خوان ها را به بازار می کشاند تا کیف و کوله شان را پر خود شان را با این منطق که کتاب خوب است پس حرص کتاب خریدن هم چیز بدی نیست راضی کنند . بعضی های شان هر بار از جلوی کتاب فروشی رد می شوند ، دست پوای شان سست می شود و اختیار از کف می دهند و کلی کتاب می خردند که فرصت خواندن همه شان هیچ وقت دست نمی دهد اما نه خود شان و نه دیگران ایرادی به کار وارد نمی داند چون کتاب را صرف نظر از خوانده شدن یا نشدن ، دارای ارزش ذاتی می دانند . بعضی کتاب خوان ها هم مجموعه در ست می کنند ؛ نه لزوما به این دلیل که همه کتاب های یک نویسنده یا مترجم یا ناشر خوب است بلکه به همان دلیلی که مجموعه دار ها قوطی کبریت یا مثلا تمبر جمع می کنند . غیر از کتاب خوان های مصرف گر ، اهل مطالعه پیر و مد هم داریم . هر از گاهی کتاب جدیدی مد می شود و خیلی ها برای عقب نماندن از قافله شروع به خریدن آن می کنند . این طوری می شود که یک رمان زردی خاصیت پایک تر ترجمه اقتضاح ، در مدت کوتاه به چاپ چندم می رسد و خزعبیل نویس ها و کاسب های بازار نشر ، روز به روز پولدار تر می شوند . اگر کتاب را مصرف می کنند و مدت تحت تأثیر قرار تان می دهد ، شما از دوست کتاب خوان تان آدم بهتری نیستید .

## نمایش گری و کالایی شدن کتاب

چند وقت پیش عکسی از یک عروس و داماد در کتاب فروشی دیدم ، چرا ؟ چون توی تالار ناگهان یاد شان آمده باید کتاب مهمی می خریدند ؟ یکی از مهمان ها کتاب خوبی معرفی کرده و زوج فرهیخته از ترس تمام شدن چاپ آن ، سراسیمه خود شان را به کتاب فروشی رسانده اند ؟ کجای این رفتار ، جالب است ؟ اصلا ما به چسباندن اهداف متعالی به رفتار های نمایش گرانه علاقه عجیبی داریم . عروس و داماد می روند سر جلسه کنکور به جای این که بپرسیم خب چرا بر نامه مجلس عروسی شان را طوری نچیده اند که با کنکور مغایرت نداشته باشد می گوییم « به به چه زوج درس خوانی ! » . خانم معلم با لباس سفید که به زور جلوی پایش را می بیند می رود سر کلاس ، ایضا به جای پرسیدن همان سوال ، خوشحال می شویم که « چه معلم به درس اهمیت دهنده ای ! » . حالا چرا وقتی عوام الناس از توی چشم بودن خوش شان می آید به ادا و اصول کتاب خوان ها ایراد می گیریم ؟ چون آن ها خود شان رانه از جنس بقیه که دایره تنگ خواص می دانند و با وجود این مدام از زوایای مختلف کتابخانه شان عکس می گیرند و می گذارند اینستا گرام . فرق بین نمایش کتاب های حجیم و کمیاب و فخر فروشی با انواع دیگر دارایی مثل جواهر و لباس چیست ؟ در ذات البته تفاوت دارند ؛ کتاب سرمایه فرهنگی است آن دیگران ، سرمایه مالی اما وقتی با کتاب مثل چیزی برای تفاخر رفتار می شود ، ارزشش تا سطح کالا پایین می آید . مناسبت های تقویم هم برای کتاب خوان ها حکم طلار دارند . همان طور که مثلا کریسمس برای بعضی هم و طنان غیر مسیحی مان فرصت خوبی است برای نشان دادن خارجی بودن شان ، روز کتاب گردی و سالروز تولد و فوت نویسنده ها هم برای بعضی کتاب خوان ها فرصت مغتنمی است تا فرهیختگی شان را اثبات کنند ؛ بعضی های شان در این روز ها دور هم جمع می شوند و برای بقیه دنیا که در جمع آن ها نیستند و حتما نادان هستند ، ابر از تأسف می کنند ؛ بعضی های شان هم به ابر از تأسف در صفحه های شخصی شان اکتفا می کنند ؛ بسته به مناسبت ، یا کتاب های تازه خرید ه شان را به اشتراک می گذارند و به حال فرهنگ مردم افسوس می خورند یا برای سالروز فوت نویسنده ای مطلب می نویسند و برای فرهنگ مردمی که در فراق او گریبان چاک نمی کنند ، افسوس می خورند . اگر مطالعه برای تان ابزار خود نمایی است ، شما از دوست کتاب خوان تان آدم بهتری نیستید .

## ما فرهیخته ها ، شما نادان ها !

در بین همه اشتباه های کتاب خوان ها به نظر من این یکی از همه نابخشودنی تر است ؛ خط کشی . بعضی کتاب خوان ها خود شان را متعلق به طبقه ای ممتاز می دانند و صاحب نظر در همه زمینه ها و گل سرسبد عالم . دست بالا گرفتن خود معمولا بدست پایین گرفتن دیگران ملازم است و نتیجه ؟ برخی معلم های پرداختایی که دانش آموز های شان را تحقیر می کنند ؛ خود یکی شان را می شناختم . آدم اهل مطالعه ای بود اما نمی فهمید که ۲۰ سال تفاوت سنی اش با ما طبیعتا زمان بیشتری برای خواندن در اختیار او گذاشته است و مایک مشت بچه ۱۶ - ۱۵ ساله دشمنان فرهنگ نیستیم . طرح های بی فایده تبلیغ کتاب خوانی را هم همین خود بین ها پیشنهاد می دهند . آن ها معتقدند دیگران ، آدم های سطحی و کم فهمی هستند پس باید به زور جایزه و تشویق وادار به خواندن شان کرد . مسابقه طراحی می کنند و بَتر می زنند و رسانه ها را به خدمت می گیرند تا رفتاری درست را به شیوه ای سخیف آموزش بدهند ؛ صرف نظر از این که اساسا خود شان در جایگاه آموزش دادن هستند یا خیر و کتاب هایی که پیشنهاد می دهند ارزش خواندن دارند یا خیر . آن ها کاری به دلایل کتاب خواندن ، ندارند . جمله « سرانه کتاب خوانی در کشور ما پایین است » را هیچ کس کنار سر لوحه کار شان قرار می دهند و دیگران را بچه هایی فرض می کنند که باید با قاقالی گول شان زد . کتاب خوان های خود برتر بین همه جا و در هر قشری پیدا می شوند ؛ نویسند ه ها ، شاعر ها ، حقوق دان ها ، پژو هشگر ها ، هنر پیشه ها ، دانشجو ها ، بیکار ها ، کتاب فروش ها و روزنامه نگار ها . آن ها از هر فرصتی برای غر زدن و سخنرانی و نسخه پیچی استفاده می کنند . هر رفتار غلط و اتفاق بد و بلا و مصیبتی را می اندازند گردن کتاب خوان ها و در باره نقش و تأثیر خود شان ، هیچ توضیحی ندارند . اگر فکر می کنید جامعه ای که بیشتر در مش کتاب نمی خوانند ، پیشرفت نمی کند در ست فکر می کنید ؛ اما لا زم است بدانید کتاب خوان هایی که به جای آراسته بودن به انواع فضایل اخلاقی به فضل فروشی شهر اند هم کمکی به پیشرفت جامعه شان نمی کنند .

## افسانه کتاب خوان های خوب

مدتی است متن هایی در فضا های مجازی دست به دست می شود در باره کمالات کتاب خوان ها ؛ کتاب خوان ها آدم های بهتری هستند . عاشق کتاب خوان ها شوید . کتاب خوان ها با هوش و با شعور و آدم حسابی و دوست داشتنی و خلاصه مجمع تمام خوبی های عالم هستند . « این گزاره های اغراق آمیز مثل ادعاهای طالع بین ها ، بر اساس یک نقطه اشتراک و بانادیده گرفتن عمدی همه نقاط تفاوت ، مشترکین را واجد ویژگی هایی می دانند ؛ همه کسانی که در آذر ماه به دنیا آمده اند ، دست و دل باز و مهربان اند ؛ همه کسانی که کتاب می خوانند ، در ستکار و فهمیده اند . همان طور که طالع بین ها دل شان نمی خواهد آذر ماهی های خسیس و خشن را به حساب بیاورند ، برخی کتاب خوان های متظاهر و فخر فروش هم در گروه بندی کتاب خوان ها و کتاب خوان ها عمدا نادیده گرفته می شوند ؛ پُر خوان هایی که ذهن شان پر و دست شان خالی است ، کلی قصه و حکایت بلند نامادر عمل پای شان می لنگد چون لزوما هر دانستنی به عمل یا بهتر بگویم به عمل درست منجر نمی شود . بین اهالی مطالعه ، کم نیستند کسانی که اندازه کتابخانه شان آن ها را در باره حجم آگاهی شان به اشتباه می اندازد در حالی که اصلا دانایی با عدد و رقم قابل سنجش نیست ؛ هیچ کس نمی تواند ادعا کند چوپان بی سواد کی تمام روزش را در طبیعت می گذراند از استاد دانشگاه کمتر می فهمد . کتاب ، چند ورق سفید سیاه شده است که می تواند ناقص فهمیده یا اشتباه در ک شود . آدم سرشار از تعصب یا اصلا سراغ کتاب های خلاف باور و عقیده اش نمی رود یا لزوما خواندن آن ها در او تغییری به وجود نمی آورد . هر کتاب دست گرفتنی ، چیزی به آدم اضافه نمی کند و اصلا هر کتابی چنین خاصیتی ندارد . چه خواندن و چه طور خواندن مهم است . اگر کتاب خوان هستید ؛ به افسانه « کتاب خوان های خوب » دل خوش نکنید ؛ هیچ دلیلی وجود ندارد که شما از دوست کتاب نخوان تان آدم بهتری باشید . بدیهی است همه این ها را نگفتیم که نتیجه بگیریم کتاب بخوانید ، بلکه حرف این است که به مجرد کتاب خوانی توهم دانایی پیدا نکنیم .



## جدول متوسط [شماره ۷۲۹۵]

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
افقی																				
۱																				
۲																				
۳																				
۴																				
۵																				
۶																				
۷																				
۸																				
۹																				
۱۰																				
۱۱																				

الکترونیکی ۶- تمبیخت - سوزان  
۷- پشتک - دهعه - خون ۸- بهشت -  
زیرک - بهره ۹- وحشی - تر فند- موثر  
۱۰- مرکز خراسان قدیم- فرمان  
۱۱- پنهان - فلز چهره ۱۲- تخت- گره  
دریایی- چاشنی دوسویه ۱۳- ساز  
تیره - تله- پرهیز ۱۴- بگو به زبان  
عربی- بم ترین صدا ر موسیقی- بخیه  
درشت ۱۵- نظر - سرزمین ۱۶- نرم  
کنده - مسار - آخرین حرف انگلیسی  
۱۷- نفس خسته - نمونه- مهمانی ۱۸-  
علامت مفعولی- فرزند - جانشینان  
۱۹- سهولت - سر مه ۲۰- بازیگر فیلم  
به وقت شام

عمودی  
۱- خواننده پاپ با آلبوم شکوه  
۲- گیاهی با ساقه های نازک ، سفید  
و ترش مزه - شمارنده ۳- فرودگاهی  
در جنوب پاریس - محصول آتش -  
بیش ۴- کوه سیمرغ - پسر - جهت  
۵- ریشه - میوه گرمسیری - از اجزای

## جدول سخت [شماره ۵۰۶]

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
افقی																				
۱																				
۲																				
۳																				
۴																				
۵																				
۶																				
۷																				
۸																				
۹																				
۱۰																				
۱۱																				

کومه ۸- ماده معدنی مورد نیاز برای تمامی  
سلول های بدن - پرستش ۹ - پسوند فعلی -  
جسم ۱۰ - نوعی سوسیس بلند - مشکین شهر  
سابق ۱۱- از هفت قلم آرایش قدیم - نوعی  
ترانه شاد نواحی جنوب ایران ۱۲ - از نام های  
دوزخ - بله آلمانی ۱۳ - همنشین برهمن -  
روضه خوان ۱۴ - شاخه ای از ریاضیات - شهر  
قصه های هزار و یک شب ۱۵ - دندانده سوهان  
۱۶ - قطعی برای کتاب - شیمی کرین ۱۶ - شب  
سی ام آذر - دست محبت بر سر او بکشید  
۱۷ - آفت ها - بزرگ و عظیم ۱۸ - سنگین ترین  
حیوان - مقیم - طلا ۱۹ - مندلی کلاس- مدفن  
امام هادی(ع) ۲۰ - فدایی - امیر اتوری قدیم .

حل جدول شماره ۵۰۵

افقی: ۱ - از رایج ترین ابزار های جنگ  
نرم - گنجشک ۲ - دربانورد و کاشف  
بریتانیایی که چند سفر به قطب شمال داشت  
۳ - مرتفع ترین آبشار جهان- کلمه پر شش  
نشانه صفت تفضیلی - کنترل دقیق - مقدمه  
چینی - عقاب سیاه ۴ - رشته ای در شمشیر  
بازی - ترش و شیرین - زیرکی- پارچه باریکی  
که به لبه آستین دوخته می شود - شخص  
۵- پاک و پاکیزه - تابلویی بیبا از پابلو پیکاسو  
۶- بی بنیاد - جلگه پهناور در نواحی نیمه خشک  
۷ - از یاران امام حسین(ع) - تکرار مطالب در  
ذهن خود - بی نظیر ۷ - فرزند به زبان کردی  
۸ - ژرف اندیشی - خاندان رسول اکرم(ص) -  
جزئی از هر عدد صحیح ۸ - از القاب اربابیی  
۹- شیشه آرمایشگاهی - ناچیز - روحانی  
زرتشتی- از بخش های اوستا ۹- دیسه  
۱۰- دستگاه قدیمی نمایش فیلم- پیشیانی-  
درختچه ای گرمسیری ۱۰ - بینی- نخستین  
نشریه بانوان ایران - سردار کارناژ - ذخیره  
۱۱ - نی باریک - در علم پزشکی به نوار قلب  
گفته می شود.

عمودی:

۱- گروهی از میوه های گوشتی و آبدار - نام  
قدیم مازندران ۲ - تحقیق و پژوهش درباره  
موضوعی - شهری در ایتالیا ۳- لقب سلاطین  
پیشدادی- از درختان جنگلی شمال ایران-  
کودک ۴- وزیدن باد - دست آموژ ۵- عنصری  
گازی و کمیاب - هدیه دادن ۶ - پاداش -  
ضرباهنگ - زانو ترسان ۷ - کلی زیبا و خوشبو